

نامه های



منصور هاشمی خراسانی

شماره: ١٨

موضوع: نامه‌ای از آن جناب درباره‌ی سوگواری برای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و احکام آن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَخْبَرَنَا وَلِيدُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّجِسْتَانِيُّ، قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الْمَنْصُورِ الْهَاشِمِيِّ الْخُرَّاسَانِيِّ أَسْأَلُهُ عَمَّا يَفْعَلُ النَّاسُ فِي الْحِدَادِ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَكَتَبَ إِلَيَّ: لَا بَأْسَ بِذِكْرِ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَوَصْفِ أَعْمَالِهِمْ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ بِالْحَقِّ، وَيَحْرَمُ الْكُذْبُ فِيهِمْ وَالْإِفْتِرَاءُ عَلَيْهِمْ قَطْعًا، وَلَا بَأْسَ بِالْبُكَاءِ عَلَى مَصَائِبِهِمْ وَإِنْشَادِ الشُّعْرِ فِيهِمْ إِذَا كَانَ صِدْقًا، وَيُكْرَهُ صَرْبُ الرَّؤُوسِ وَالْحُدُودِ وَالصُّدُورِ وَالظُّهُورِ كَمَا يَفْعَلُ الْعَامَّةُ، لِقَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ صَرَبَ الْحُدُودَ وَشَقَّ الْجُيُوبَ وَدَعَا بِدَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ»، وَقَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «أَنَا بَرِيءٌ مِمَّنْ حَلَقَ وَسَلَقَ وَحَرَقَ»، وَإِنَّمَا الْمَرْغُوبُ فِيهِ الْبُكَاءُ وَلَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ شَيْءٌ مَشْرُوعٌ، لِقَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّهُ مَهْمَا كَانَ مِنَ الْعَيْنِ وَمِنَ الْقَلْبِ فَمِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمِنَ الرَّحْمَةِ، وَمَا كَانَ مِنَ الْيَدِ وَمِنَ اللِّسَانِ فَمِنَ الشَّيْطَانِ»، وَكَذَلِكَ الصَّرْبُ فِي الْأَرْضِ بِآلَاتِ اللُّهُوَ مَعَ الرَّايَاتِ وَالْأَعْلَامِ الْمُبْتَدَعَةِ، فَكُلُّ ذَلِكَ بِدْعَةٌ وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَكُلُّ ضَلَالَةٍ سَبِيلُهَا إِلَى النَّارِ، وَلَا بَأْسَ بِالْاجْتِمَاعِ فِي الْمَسَاجِدِ وَالْبُيُوتِ لِمَدْحِهِمْ وَذِكْرِ مَصَائِبِهِمْ وَالْبُكَاءِ عَلَيْهِمْ وَتَعْزِيَةِ ذَوِي مَوَدَّتِهِمْ مَا لَمْ يَكُنْ مَعَهُ كِذْبٌ أَوْ فُحْشٌ أَوْ ضَرْبٌ أَوْ جَرْحٌ أَوْ تَبْذِيرٌ أَوْ تَأْخِيرٌ صَلَاةٍ عَنْ أَوَّلِ وَقْتِهَا، وَقَدْ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلَى وَلَدِهِ إِبْرَاهِيمَ، وَذَكَرَ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ فَمَدَحَهَا وَبَكَى عَلَيْهَا، وَحَثَّ عَلَى الْبُكَاءِ عَلَى حَمْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَبَكَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَمَدَحَتْهُ، وَكَانَ سَعْدُ بْنُ مُعَاذٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يُمَدِّحُ عِنْدَ قَبْرِهِ وَرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَسْمَعُ فَلَا يَنْهَى عَنْهُ، فَكُلُّ هَذَا سُنَّةٌ وَإِنَّمَا الْحَرَامُ الْبِدْعَةُ.

ترجمه‌ی نامه:

ولید بن محمود سجستانی ما را خبر داد، گفت: برای جناب منصور هاشمی خراسانی نامه‌ای نوشتم و از او درباره‌ی کارهایی که مردم در سوگ اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انجام می‌دهند پرسیدم، پس برای من نوشت: یاد کردن از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و توصیف کارهای آنان و ستایش آنان به حق، اشکالی ندارد و دروغ گفتن درباره‌ی آنان و افترا زدن بر آنان قطعاً حرام است و گریستن بر مصائب آنان و سرودن شعر برای آنان هرگاه راست باشد اشکالی ندارد و زدن بر سرها و روی‌ها و سینه‌ها و پشت‌ها به نحوی که عامه می‌کنند کراهت دارد؛ به دلیل سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: «از ما نیست کسی که بر روی‌ها می‌زند و گریبان‌ها می‌درد و به فراخوان جاهلیت فرا می‌خواند» و سخن آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: «من از هر کسی که موی گند و شیون کند و جامه درد بیزارم» و تنها کاری که پسندیده است گریستن است و فراتر از آن کار مشروعی نیست؛ به دلیل سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: «هر چیزی که از چشم و از دل برآید آن از خداوند بلندمرتبه و از رحمت است و هر چیزی که از دست و از زبان برآید آن از شیطان است» و چنین است راهپیمایی در زمین با آلات لهو و پرچم‌ها و علامت‌های ابداع شده؛ چراکه همه‌ی آن‌ها بدعت است و هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی به آتش راه می‌یابد و گرد آمدن در مسجدها و خانه‌ها برای مدح آنان و ذکر مصیبت‌هایشان و گریستن برایشان و تعزیت دوستدارانشان اشکالی ندارد هرگاه با آن دروغی یا ناسزایی یا ضربی یا جرحی یا اسراف یا تأخیری در نماز از اول وقتش نباشد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر فرزند خود ابراهیم گریست و خدیجه علیها السلام را یاد کرد و مدح فرمود و بر او گریست و به گریستن بر حمزه رضی الله عنه تشویق نمود و فاطمه علیها السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گریست و او را مدح کرد و سعد بن معاذ رضی الله عنه در نزد قبرش مدح می‌شد در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌شنید و از آن نهی نمی‌کرد، بنابراین همه‌ی این کارها سنت است و تنها بدعت حرام است.

شرح نامه:

روایات مذکور در نامه‌ی آن جناب، چند نمونه از روایاتی است که در نکوهش نیاحت

و نهی از لطمه زدن به خود در سوگواری رسیده است و متواتر معنوی محسوب می شود و با کتاب خداوند سازگاری دارد؛ با توجه به اینکه کتاب خداوند، جزع کنندگان به هنگام شر را نکوهیده و فرموده است: «إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا»؛ «هنگامی که شر به او می رسد، بسیار جزع کننده است» و صبر کنندگان بر مصیبت را ستوده و فرموده است: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿۱۶﴾ وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ ﴿۱۷﴾ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿۱۸﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ ﴿۱۹﴾ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ»؛ «و به کسانی که در راه خداوند کشته می شوند مردگان نگوئید، بلکه زندگانند، ولی شما نمی فهمید و هرآینه شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و نقصان مال ها و جان ها و محصولات می آزماییم و صبر کنندگان را بشارت ده؛ همانان که چون مصیبتی به آنان می رسد می گویند: ما برای خداییم و ما به سوی او باز می گردیم. آنان هستند که درودها و رحمتی از پروردگارش بر آنان است و آنان همان هدایت یافتگانند» و مراد آن جناب از «علامت های ابداع شده» سازه های فلزی سنگین و صلیبمانندی در میان اهل تشیع است که شاخه هایی بر فراز خود دارد و پارچه ها و مجسمه هایی بر روی آن نصب شده است و جاهلان قوم آن را بر دوش می کشند.

برای خواندن رهنمودهای دیگری از آن جناب درباره ی سوگواری برای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و احکام آن، به گفتار ۴۱ مراجعه کنید.



بانگاه اطلاع رسانی دفتر منصورهاشمی خراسانی



۱. المعارج / ۲۰
۲. البقرة / ۱۵۴-۱۵۷

بانگاه اطلاع رسانی دفتر منصورهاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.